

**کنکته ورزشی**



# آیا فوتبال ما آلوده است…؟

**سرویس ورزشی –**

چندسالی است بعضی از نشریات و بعضی از افراد درباره بعضی از نتایج و اتفاقاتی که در میدان فوتبال ما رخ می‌دهد، شبهه‌افکنی‌ها می‌کنند و به دنبال آن ایهامات و انگه‌هایی که تاکنون بعد از گذشت چند فصل هیچ‌کدام به نتیجه نرسیده و ثابت نشده است. حادقل آن مسائلی و جریاناتی که این نشریات مدعی آن بوده‌اند این‌گونه بوده است چون خود کیهان خیلی علاقه مند است که این مسائل به طور رسمی اثبات یا رد بشود تا اگر خدای نکرده مشکل یا انحرافی آن طور که افکار ادعا می‌کنند وجود داشته باشد، به وظیفه فرهنگی، اخلاقی و شرعی خودش عمل بکند اما با اینکه ما روی این مسائل کنجکاو و تا حدودی پیگیر مسائل بودیم نه تنها چیزی ثابت نشده بلکه خلاف آن چیزی که آقایان ادعا می‌کردند به ما ثابت شده‌است. به همین خاطر ما خیلی مواظب موقبلان آن افرادی که مورد اتهام و طعن این جریانات قرار می‌گیرند نقش مدافع آن‌ها را ایفا کرده و اعلام کردیم که ما هیچ سند و مدرکی نداریم که بخواهیم مخالفان بوده و به‌هتوا یا آن جریانات باشیم. از همین‌رو وظیفه خود می‌دانیم که مظلوم و کسی که مردم بحث می‌مورد و آن مورد نیست. این جریانات به کمک بازوی رسانه‌های خودشان شرایط را در فوتبال ایجاد کرده‌اند که اکنون وقتی پای صحبت علاقه‌مندان بودستاداران فوتبال از هر طیفی چه استفاده‌ای چه پرسپولیس، چه تهران‌ی چه ورزشی است می‌نشینیم، نوعی نامشی و بی‌اعتمادی درباره کلیت رفت و فعالیت‌هایی که در فوتبال ایران وجود دارد، از صحبت‌هایشان نشنیده می‌شود.

**جریانات اختصاصی**

این بی‌اعتمادی و بی‌احترامی که برای تفق و باغی بی‌توجهی اعتباری را با خودش به همراه می‌آورد، یعنی اعتبار لیگ و اعتبار فوتبال ایران را زیر سؤال برده است. آدم به این نتیجه می‌رسد آن جریاناتی که در بالاتر اشاره شد، حدود ۱۵۰۱ ساله است که حالا با برنامه‌هایی که در فوتبال ما وجود دارد و بی‌سنادی و خودخواهی گونه‌گانه با روی حساب و کتاب مغرضانه، کلیت فوتبال ایران را زیر سؤال برده‌اند و ایستا نیز از چهره‌های موجه آدم‌های اسم ووسم‌دار، محبوب و مترجم در ورزش مخصوص فوتبال شروع کرده‌اند. یکی‌یکی اینها را از طرق مختلف از جمله نوع پوشش‌شان، نوع حرف‌زنان‌شان و حتی فوتبال را بززند. یعنی چیزی به نام فوتبال نداشته باشیم. جبهه‌ی اسلامی ایران که توانسته در برابر تندباده سنکستین و مرادکلن قرص و مرادکلن قرص و همه اتفاقات و سختی‌ها و طوفان‌ها را از سر بگذرانند، این یک قلم جنسی را نمی‌تواند و این فوتبال هیچ مسئله پیچیده و حادثه از مسئله لژری هسته‌های یا جنگ تحمیلی بوده که در حلقش مانده و فوتبال از دستش خارج شده و به دست مافیآ و جریان‌های ناسالم افکاره و مدیران و کارگردانان فوتبال نیز عرضه و لیاقت اداره این قفسیه را ندارند. این چیزی است که امروز مطرح است. همانطور که عرض کردیم در صحبت بسیاری از اهالی فوتبال بصورت باز مرده چون قدرت پاره ریش و رسانه‌ای این جریان قدرتمند است، بارها گفته‌ایم این جریانات و آدم‌هایشان در صل‌وسمیآ و رسانه‌ها بصورت عنکبوتی و تالیپوسیتی حضور دارند، برنامه دارند، نقش دارند و هماهنگ عمل می‌کنند. عرض کردیم شاید عرض ما مریض و ششامی باشد. اما قیلا ما به بحث در اطرح کردیم و گفتیم و رقتیم و این در واقع واقع همان میاحت است. متأسفانه چون ورزش ما در صل‌وسمیآ، خودخواهی‌ها و رسانه‌ها راه‌ها است، این سختی ورزشی‌ها اشکارا کار خودشان را انجام می‌دهند و مدعیان رسانه‌ها را در این زمینه کلاه‌گذاری کرده‌اند. این‌ها منوچه هم نیستند. ما این هشدار را می‌دهیم و بازمی‌گردیم سر بحث خودمان که ما چه کار می‌کنیم؟

**نمونه و مثال**

سال گذشته که استقلال به شیراز رفت و فجر سپاسی را با نتیجه ۵ برفصر شکست داد، مدیر و مربی این تیم به تیم برنده تبریک گفتند و نتیجه بازی را کاملاً یک نتیجه فنی و ناشی از برتری تاکتیکی تیم حریف دانستند. اما از اشتباه نکتم ظاهر پرسپوسرت این بود که بحث‌هایی را مطرح کرده بود که یکی از اینکها شکر مورد توجه استقلال است و قرار است دید را بزند به این تیم ملحق شود و تماس‌هایی که این تیم با این بازیکن داشته موجب شد وی نتواند موقعیتی که جلوی دروازه داشته به شک تبدیل کند و در این روز هست. اما منوچه موجب شد که فردای این اظهارات دعوی‌اش ضدیدی میان دو باشگاه شروع شود. استقلال‌ها در دفاع از خود و پرسپوسرت در دفاع از خود که شده بود- که اگر ادامه دهید حرف‌های را می‌بزنم که سنگ روی سنگ بند نشود و به زودی منادی از رفت‌وشماره‌ها کرد و از سوی دیگر استقلال‌ها هم اعلام کردند هر مدرکی داری ارائه کن از کز سوی دیگر آتش بیاران ممرع که یعنی رسانه‌ها و مطبوعات و دست‌وسمعر کله فتنه‌ها کردند که بله چنین داستانی وجود دارد و تملیه‌هایی کرده‌فت شد و خطی از این ماجرا را ادامه دادند. این را داخل پراتنز بگوییم که آن بازیکن مورد نظر شما بعد به استقلال آمد و اکنون هم این تیم بازی می‌کند و اکنون که هفته دوازدهم است گل گل هم به ثمر نرساده و موفقیت‌هایی منبشایی مانند بازی استقلال و فجر سپاسی از دست داده است مانند بازی مقابل سپهان، نوشابه، استقلال اهواز و بازی‌های دیگر. پس از آن بازی اتفاقاتی هم به بازی با سپهان رخ داد اما گذشت و لیگ لصل قبل به پایان رسید و آن همه هیاهو و جنجال هم پایان یافت یعنی بعد از اینکه پرسپوسرت دو بارشکی رو آن مورد خاص و موارد دیگر کاملاً از خجالت خیره‌دار آمدند، نه تنها استقلال کرد و نه کسی حرفی زد که سنگ روی سنگ بند نشود و همین‌طور مسائل روی هم تشدبار باقی ماند ولی فضای فوتبال مهم‌تر، شبهه‌ناک‌تر و کلیت فوتبال کسبت هم گذشته زیر سوال بیشتر رفت.

**تلاش‌ها، کنکته‌ها، موفقیت‌ها، شو**

متأسفانه به این مسائل، هشدارها و تذکرات توجهی نشد و آن قدر که اینها نسبت به شعارها بود و کردن فعالیت‌های منکبتن‌شمنانه مثل گشت‌های تنهان می‌دهند، نسبت به این مسائل که اتفاقا مادر آن مسائل است- یعنی اگر تماشاجی آن‌گونه باشرفتنگی می‌کنند پس احسان تبیضی و بدبینی می‌تواند و این احساس را دارد که حشخ در حال خودده شاد است و فر فوتبال بی‌عدالتی و زد و بند شاد است و حالا که حکام است من هم هو می‌کنم، صندلی می‌شکنم و فحش می‌دهم- حساسیت ندارند. اینها طبق معمول است ایند به معلول می‌چسبند در حالی که علت جنای دیگری است. باید گفت گفتاوت و باید تفهیم صرف. قنکته‌ای که لازم است اینجا تذکر شود این است که ورزش یکی از میادین، عرض‌ها و پدیده‌هایی است که به نوبه خودش به جوانان ما اجتماعی شدن می‌آی‌آموزد. درس‌هایی که هیچ جوان برای روابط اجتماعی لازم دارد بیرون می‌آید یعنی با بازی‌ها یاد می‌گیرد. یکی از پیام‌ها و درس‌های ورزش این است که فیرمایی، پشرفت، موفقیت و ترفی در کرو تلاش است. ما باید همچنین فضایی را بر ورزشمان بلاخص فوتبال که از علاقه‌مندی زیادی برخوردار است حکام کنیم. ما در بحث پایانی نیز مطرح می‌کنیم که خوادولده‌ها جوانان خود را هفته‌ای ۲ یا ۳ ساعت به یک ورزش منظم می‌کنند و در آنجا فوتبال بازی می‌کنند و در آنجا با همه چیز آشنا می‌شوند. پیام ورزش ما به آن بازی می‌کنند و آن بازی را تماشای می‌کنند باید اضافه شود که «شما تلاش کنید و من موفق شوم نه اینکه فضایی را ایجاد کنیم که نشان دهند تلاش توری ندارد و زندگی بد منمتر شود». کوششی و تلاش کردن و یک سال در سرما و گرم‌تلاش و عرق ریختن و ماه رمضان و ماههای گرم و سرد سال تلاش کردن اما حاصل زحمات در پشت اتاق‌های درسته و جمع‌های مافیایی معلوم می‌شود. حالا آقای داد در پرسپولیس یا آقای هاشمی و آقای عرفی و در فولاد زحمت می‌کنند که بکشند. ما یعنی جریانات فاسد، جریانات لگل و جریانات مخرب قهرمان و نتایج فوتبال این مشخص می‌کنیم. این کارکرد ادعا می‌دهد که آقایانی این موضوع هستند که بتوانند این اثر مثبت و بزرگ ورزش و فعالیت‌های ورزشی را که اینجوا ایجاد است، از جوانان ما بگیرند. عوض اینکه اراده، انگیزه و همت جوانان ما برای زندگی باوقه و خارج از ورزش بیشتر کنند و با تلاش و زحمت و موفقیت برسند نه خدایی کردی و یا برتی ورزش و ورشو و زد و بند هم روابط مختلف ساده‌اندگی که به جان سلامت کلیت جامعه افتانند در روز بدنش و هم همین کار را می‌کنند و عده‌ای هم درایشان چهار نعل می‌تازند. این مسئله باید روشنیایی و موشکافی بیشتر شود چراکه مسئله مهمی است.

**تشکیلات نامرئی حاکم بر فوتبال**

فصل جدید هم آغاز شد و در دست زان همان لاین فصل ما شاهد مطرح شدن چنین بحثی بودیم. نمی‌شود به یک تیم دیگر باخت و از طرف مربی تیم بازنده عنوان شد که این طرف تیم برنده با ناسان بازیکن ما ۲۰۰۰ مانع فوتبال ملی ازگفته شده است

آن نگران بازیکن فوتبال باقی‌مانده است. ما هم همان بازیکنان گشته‌اند اما در مقابل حاشیه و طعنه‌ها است. ما نتوانستیم که برای حرف‌های مدرک مردم و ثابت می‌کنم که داوروی بازی مسئله داشته و این بی‌توجهی شده و مگر علی حذا و طرف همه اهالی فوتبال می‌تواند تکرارش جایز نیست.

منظور آن یک خیلی‌را پارتی‌ها و طرف دیگر انگ نزد و طرف دیگر هم طرف داد و بیداد کردیم چون به یاد داریم که این‌ها در گفت و شنود ما مارجا به کجا انجامید. آیا واقعا ۳۰ هزار بار تماس گرفته شد؟» اما دیدیم که پس چند روز هیاهو و پیگیر و



نظر کار از دست فدراسیون خارج است؟ ما یک تشکیلات و فدراسیون نامرئی حاکم بر فوتبال داریم که این تشکیلات نامرئی فوتبال را ناسالم کرده است؟ و در واقع آنها هستند که دست دارند فوتبال این‌گونه پیش برود؟
**پایین کشیدن آدم‌های لایق برای بالا بردن خود**
چون در شلوغی بازار و شهر شلوغی آنها هم می‌توانند مطرح باشند و در مذامات و منافع فوتبال سهیم باشند و در اسم و رسم فوتبال اسم رسمی بهم بززند. همان‌طور که در مقدمه عرض کردیم حادقلش این است که بپایند خودشان را به عنوان قهرمان جلوه دهند. جریاناتی که تلاش می‌کنند سر تا پای فوتبال را فاسد و ولده و عقب‌مانده جلوه دهند و خودشان را اعمال کنند و از منافع فوتبال سود برده و خودشان را به عنوان افراد موجه نزد جامعه جا بیندازند و آن حرص و از شهرت و نام‌آوری را ارضا کنند چون اینها چیزی برای عرضه کردن ندارند و حرفی برای گفتن ندارند چون کسی در فوتبال نیستند فقط تنها چیزی که می‌توانند خودشان را در فوتبال مطرح کنند و در منافع فوتبال سهیم باشند و خودشان را به هزموه‌های قدرت در فوتبال نزدیک کنند. این است که دیگران را تخریب کرده و پایین کشند تا خودشان را بالا ببرند. خودشان را که نمی‌توانند در سطح بزگان فوتبال ما که در این فوتبال استخوان خود را ارضا کرده‌اند، بالا بکشند تا همجور هستند استخوان خرگرده‌ها را کوچک کنند. هر کس را به یک شکل، شما در این سالها دیده‌اید که با علی پروین و شخصیت وی یا آن فوتبالی که وی ارائه می‌داد و آن افتخاراتی که در سطح فوتبال ملی برایمان رقم زد و آن محبوبیتی که نزد مردم داشت، چه کردند و به چنگ آمد تا در اصطلاحاتش، تیب و ظاهرش و اینکه به سبک بچه‌های عارف شمالی صحبت می‌کند، چسبیدند. به دیگران جدیدتر هم دیده‌اند آقای قلعه‌نویی رسید و به دیگران هم خوانند رسید. این چیزها اینا شیشه‌ی آریجاد می‌کنند که این مسئله، مسئله‌های ساده‌ی نیست و بار دیگر ما از مسئولین و متولیان فوتبال می‌خواهیم که در این باره مسئولیت خود را جدی بگیرند و احساس مسئولیت داشته باشند. به هر حال کنکته‌ای که هست این است که کسانی که مسئولین جمع و جامعه‌ای را برعهده دارند، چه جامعه کلی مثلا رئیس موه مجریه هستند یا رئیس فدراسیون فوتبال، یکی از وظایف عمده‌شان کنترل شدن امور، همگنی حوزه تخت اختیاراتشان است. از کنتر این حرف‌های می‌شود رد شد تا کند اینکه تاکنون هم زد شدند و تاکنون اجبار عدم صورت نگرفته است اما وظیفه مسئولین در برابر اینها این است که شاخک‌هایشان حساس باشد و دار‌هایشان به کار بیفتند و به شکل خیلی لوسولانه این حرف‌ها را که گهگاه از سوی آدم‌های موجهی هم شنیده می‌شود، بررسی بکنند.

### چه کسی از وجود دایب‌ها و قلعه‌نویی‌ها و… ناراحت هستند؟

یک حرفی در حرف‌های آقای دای بود که پیش از نتیجه‌گیری بحث آن را بیان می‌کنیم و اینکه علی دایی تلویحا در مصاحبه بعد از بازی سپهان حرفی را زد که شاید ما اینگونه برداشت می‌کنیم ولی به بحث ما ارتباط دارد. ایشان گفتند: «اگر شما دنبال محرم کردن ما هستید، ما را محروم کنید تیم بوریم.» ما باید این حرف را جدی بگیریم. یک حرف فردی مثل علی دایی که منظور کتیب مکل می‌باشد. اما باید این بحث را اختات فوتبال ما است، چه فضایی را احساس می‌کند، چه شرایطی را می‌بیند که احساس می‌کند در فوتبال ایران جای برای وی تنگ است؟ در فوتبال ایران کسانای هستند که نمی‌خواهند علی دایی با تمام افتخاراتش و همه شناختی که دنیا نسبت به وی دارند و با همه جایگاهی که در فوتبال جهان دارد، در فوتبال ایران حضور داشته باشد. اگر علی دایی نباشد پس چه کسی باشد؟ چه کسانی باید بیابند استقلال و پرسپولیس و تیم‌های بزرگ ما را اداره کنند؟ شما ببینید عرضه در فوتبال ما برای چه کسانی تنگ است؟ همان کسانی که تماشاجی آنها را دوست دارد. کسانی که افتخارآفرین بودند. آن پرسپولیس مثال زدیم اما شما ببینید در استقلال چه عرضه‌های رازی مربی استقلال که جرشم موفقیتش است. فراهم کرده‌اند. یعنی اگر آقای قلعه‌نویی مربی معمولی بود و چیزی بلد نبود، کسی که کارش نباشد اما چون قلعه‌نویی مربی موفق است و دل مردم را شاد می‌کند و وقتی هست خیال نصاف تماشاچیان در سراسر ایران آراحت است، یک عده‌ای وجود دارند که از حضور این آدم‌ها ناراحت هستند. از وجود دای در پرسپولیس ناراحت هستند و از وجود ژوزه مارتول و لئونویگانا، که معلوم نیست چند درصد موفق می‌شوند یا نمی‌شوند، زیاد ناراحت نیستند. اما وقتی علی دایی می‌آید عده‌ای عرضه را بر این خود تنگ می‌بینند و یا قلعه‌نویی در استقلال است عده‌ای شب و روز نمی‌نشانند و معکم می‌زنند و اتفاقا در این گونه مواقع بازار انگ و تهمت‌ها و شایعات داغ است.

**حاکمیت قانون و عدالت**

به هر حال از دو هفته گذشته تا حشش روز و وسطی امروز ماجرای داور بازی سپهان و پرسپولیس ماجرای ترازوی بود تا یک داستان کهنه در فوتبال ما تلادوم پیدا کنند. اینکه نهائیا این ماجرا به کجای می‌انجامد و آیا این ماجرا منصفی و منظومی دارد و مسئولی پشت پرده آن است؟ یا نه این مسائل عمدی و تامله‌انسانسی بوده و اتفاق بوده، اینها همه چیزهایی است که طی روزهای آینده تکلیف آن روشن می‌شود اما همان طور که گفتیم تا بحال اکثر این بحث‌ها و موارد مشابه خیلی تها گرد و خاکی در فضای فوتبال ما پها کرده که چند زمان زن به دلپناهان و شبیهات و قضای بی‌اعتمادی و نامشی چیزی دیگری اضافه کرده است. حرف ما در این مقال حادقل این نیست که قضاوت کنیم و کسی را صاحب حق بدانیم و دیگری را محکوم بدانیم بلکه حکم از همان حرف همیشگی است که این بار به بهانه اتفاق تلخ اخیر می‌خواهیم این را تکرار کنیم و آن این است که مسئولین و متولیان بار فوتبال باید فکر اساسی برای برهم زدن این فضا و جاننشین ساختن فضای سالم انجام دهند چون بارها گفته‌ایم که در فضای سالم و زمین مناسب و مساعد شما می‌توانید تیب رشد و پرورش و شکوفایی و به ناب نشستن محصولات مفید داشته باشید نه در جوی که سر در آن میکروب و ویروس وجود دارد و نه در فضایی که از آنگ و تهمت و بی‌اعتباری می‌بارد. مسئولین محترم باید به شدت و با قاطعیت دربی تطقیف و اصلاح این‌فضا باشند یی که به اعتقاد ما راهکاری ندارد به جز اجرای قانون و حاکمیت عدالت. تأثیر عدالت در رفتار فردی و عمومی مسأله مهم و فیرقابل انکاری است که درباره آن متفکران و اندیشمندان انجمنای سهالها و قرن‌هاست می‌گویند و می‌توانند. در اسلام عزیز هم مکتبی که به آن اعتقاد داریم براین مسأله تأکید می‌رزد و آن است که هر چه قدر بی قانونی می‌تواند آثار مخربی از جمله تبیض، احساس بی‌عدالتی و نفس علی‌هذا، به ششکلی که کسی گمان کند تلاش‌ها و کوشش‌هایش به نتیجه می‌رسند است. مثلا در فضای فوتبال فردی برای یک فصل یا یک ماه برای یک تیم تلاش کرده و زحمت کشیده، سپس خیلی راحت بخاطر بی قانونی و عدم حاکمیت زحمت و عدالت محور یک مرتبه همه زحمات و تلاش‌هایش از بین می‌رود. پس چه زحمت؟ پس فایده تلاش و زحمت چیست؟ باآشفتگی و باآشفتگی نباید، رابطه و ارتباطات ناسالم با داشته بنسید و باخت و اقبال داشته بشیند. این گونه یک نوع ورزش و رفتار در بین جوانان به وجود می‌آید و همه چیز را نسبت به روزگار شوم و جنتل‌دار و ناعادلانه می‌بینند و به جای آنکه تلاش کنند به دنبال فوتبال ناسالم می‌رود. مثلا درش وارد شدن به فضای فوتبال برای خود بازی است. افرادی مطرح خود را برای موفقیت در کار مریگیری و بازیگری‌اش ارتباطات ناسالم ایجاد می‌کنند. یواش‌یواش اینها ایجاد انگیزه‌های غلط و درون قلبی آن عملکردهای غلط می‌کنند. چرا که آن فرد به این نتیجه رسیده است که هر چه سریع‌تر در فضای فوتبال فردی برای یک فصل یا یک ماه برای یک تیم

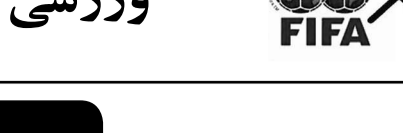
اگر به هر سر مویت دو صد هنر باشد

هنر به کار نیاید چون بحث بد باشد

**مسئولیت تکثیر متولیان فوتبال**

وقتی بختت بد باشد و پارتی و رابطه نداشته باشی، آن وقت هرچقدر هم که هنر داشته باشی به نتیجه نمی‌رسی و در حرفه شانس، فانی، پارتی و ارتباطات ناسالم باعث موفقیت می‌شود نه تلاش و هنر. این حرفی که آقای دایی می‌زند و می‌گوید اگر با تیم نمی‌خواهید، بوشون این یعنی آنکه فضای حاکم به نحوی است که آدم‌های هنرمند، لایق و با رویه بهتر خود را از بازار بازنش می‌کنند و کارهای و لیاقت‌های خودشان را در عرضه و عرضه عمل کرده‌اند. یواش‌یواش میادان را ترک کرده و کار را به دست آدم‌های عزیز بی‌جهت و کسانی که فشار شانس را بخاطر نداشتن پارتی و رابطه دارند، بسینند. ما بیاستی تلاش کرده‌ات پاراسال وظیفه کاری و حرفه‌ای که داریم- از آنجایی که متولی ورزش و فوتبال هستیم- نشان بدسیم که مردان قانون هستیم و در فضای فوتبال ما قانوی و عدالت حاکم است و هر کسی کار می‌کند باید طبق قانون کارش را خواهد دید و این‌گونه نیستند که مره‌ای یک مولا یک مربی یا تیمی یک هفته یا یک فصل زحمت بکشد و سپس خاطر ارتباطات پشت پرده در فوتبال ناسالم خیلی راحت حتماش به یاد ببرد بلکه هرکس نان یکسخت و کوشش خود را عرضه خورد. در واقع این تفکر که هرچقدر زحمت بکشی از کیسماث رفته است و به جای زحمت کشیدن دنبال ارتباطات ناسالم و دیدن این خریکارگ و برنامه تلویزیونی و آن رابطه دلالی باش و… می‌تواند این بی‌بردی، باید این تفکر و این باور بر فضای ورزش مخصوص فوتبال ما که در ابتدای مطلب اشاره کردیم و به شدت از این نظر مورد تهاجم واقع شده و به نظر ما عده‌ای هم می‌خواهند به عمد نشان دهند که فضای فوتبال ما کسانای ناسالمی است و تلاش و کوشش و یواش زود کار داشتن کار را به جای نمی‌شود بلکه آن فضای را با پشت پرده دارند. ارتباطات دارند و زد و بندچی هستند می‌توانند موفق باشند، حاکم شود. در برابر این فضای حاکم و متولیان فوتبال می‌تواند می‌خواهند این فضا را تلویع و ترویج و ادراک از مسئولین فوتبال یاد به کمک مردم و دلوسون حساسیت و مقداری محکم، رفتی و فوری و مقتدرانه‌تر وارد میدان عمل شوند. به نظر ما بزرگترین حربه برای اینها راه رسیدن به هدف اجرای قانون است. همان‌طور که ما هرگز نمی‌توانیم تیب‌های نامرئی، بلکه تکلیف کارکنان فنی تیم‌های ملی هم مشخص نیست چه برسند به اینکه برنامه بلند مدت را بر این موضوع داشته‌باشند.

این هم چندان به فکر، نباشیم، شاید در آینده‌ای نزدیک برای ایجاد فوتبال در مسال کشورمان داشته باشیم.



**رئیس فدراسیون بسکتبال با بیان اینکه ترکیب تیم ملی بسکتبالی تغییر می‌کند، معتقد است که افتخارات این رشته به هیچ عنوان با والیبال و فوتبال قابل قیاس نیست و بعضی افراد باید انصاف را رعایت کنند.**

محمود مشحون پس از عنوان ششمی ایران در رقابتهای قهرمانی نوجوانان آسیا در گفت وگویی از دلیل کسب این نتیجه ضعیف، درخواست وزیر ورزش برای برنامه ریزی جامع در بسکتبال، تغییر شکل تیم ملی در جام جهانی آینده و … سخن گفت که گزینه اولی از آن در ذیل می آید:

«تیم نوجوانان ماشاید نتیجه بدی در رقابتهای قهرمانی نوجوانان آسیا به دست آورده باشد، اما بعضی انتقادهای اصلا صحیح نبودند. من از نتیجه ششمی این تیم در قهرمانی آسیا در تهران اصلا راضی نیستم و انتظارات ما بیشتر از این ها بود. فکر می کنم تیم ایران می توانست در میان چهار تیم برتر قرار گیرد.متأسفانه به خاطر اینکه تیم نوجوانان کشورمان بازی ندادگاتی لازم را نداشتند، لطمه خورد.شما تیم جوانان ما راگناه بزنید باکمترین بازی دویستانه چقدر توانست در مسابقات جهانی موفق عمل کند.

«در این دوره از رقابتهانم تنها چین بلکه تمام تیمها صفر سنن داشتند اما ما به تیم ها احترام می گذاریم و مشکلی از این باب نداریم اما بهتر است از دوره های آینده منظور بماند.

«بعضی دوستان می گویند بازیکن پست پنج مشکل ما بوده اما وقتی بررسی می کنیم متوجه می شوید بیشتر از تمام پست ها مشکل داشتیم، شاید پست پنج یا پست از سایر پست ها به چشم آمد اما بحد اصلی این است که تفویض و تغییر نخواهم داد اما همه



**رئیس فدراسیون بسکتبال به دفاع از آسمان خراش های ایران پرداخت**

# مشحون : افتخارات ما با والیبال و فوتبال قابل مقایسه نیست



مسائل باید بررسی شود و در فدراسیون فرد تصمیم گیرنده نیست، یک گروه تصمیم می گیرند.اعضای توفیق تشکر می کنم به خاطر همه زحماتی که کشید و به خوبی می دانیم او خودش نمی توانست در زمین بازی کند.

**امیدوارم صالحی امیری**

**مشکل بسکتبال را حل کند**

«دانشان سالن بسکتبال حرفه ای در تهران یکی از مشکلات ماست البته صالحی امیری از ما خواسته تا برای بسکتبال برنامه ریزی جامعه ای داشته باشیم و این نشان از اتفاقات خوب برای بسکتبال ایران است. سالن بسکتبال آزادی درشان ایران نیست و این سالن ضعف های فراوانی دارد.

زادیک **به سه سال از ریاست جلال کوزه گری بر فدراسیون هندبال ایران می گذرد، رئیسه که در بدو نشستن بر مسند ریاست بزرگترین افتخار هندبال ایران در آسیا به وقوع پیوست اما پس از آن ناکامی های یکی پس از دیگری فرار رسید.**

مشکلات مالی و اختلاف نظرها در این چند سال باعث شد که صندلی کمیته های مختلف فدراسیون دیگری مانند انگلیس، به میدان برود. موسی او موفقی به خواستم او اعلام کرده بود به زودی عدنان به بازیکنی بسیار خوب بدل خواهد شد و می تواند با گرفتن اقامت انگلیسی در تیم ملی این کشور هم به بازی کند.

موسس در مورد این بازیکن گفت: کسی می‌کند این بازیکن بتواند برای انگلیس هم بازی کند. او به همت خود با این انگلیس هم بازی کند. او به همت خود با این انگلیس هم بازی کند. او به همت خود با این انگلیس هم بازی کند.

در این میان، تنها جای لیگ برتر و حاشیه‌های فهرمانی آن خالی بود که مسئولان فدراسیون هندبال با اقدام بدون نیت که منسوب به لیست انتقادهای وارد شده به خود اضافه کردند.

**تقسیم شدن جامعه هندبال**

دراین مدت، می‌توان گفت که جامعه هندبال ایران به دو تکه تقسیم شده است.عده‌ای که عطای کار را به مقاصبت خشنیده اند و به منتقدان سرخست مدیریت فدراسیون تبدیل شده اند و عده‌ای دیگر که نسبتا جوان تر هستند و با مدیریت فعلی همکاری دارند یا علاقه دارند به مانند منجی وارد فدراسیون شوند و هنوز خیلی جوان است.



**رئیس فدراسیون بسکتبال به دفاع از آسمان خراش های ایران پرداخت**

# مشحون : افتخارات ما با والیبال و فوتبال قابل مقایسه نیست



مسائل باید بررسی شود و در فدراسیون فرد تصمیم گیرنده نیست، یک گروه تصمیم می گیرند.اعضای توفیق تشکر می کنم به خاطر همه زحماتی که کشید و به خوبی می دانیم او خودش نمی توانست در زمین بازی کند.

**امیدوارم صالحی امیری**

**مشکل بسکتبال را حل کند**

«دانشان سالن بسکتبال حرفه ای در تهران یکی از مشکلات ماست البته صالحی امیری از ما خواسته تا برای بسکتبال برنامه ریزی جامعه ای داشته باشیم و این نشان از اتفاقات خوب برای بسکتبال ایران است. سالن بسکتبال آزادی درشان ایران نیست و این سالن ضعف های فراوانی دارد.

زادیک **به سه سال از ریاست جلال کوزه گری بر فدراسیون هندبال ایران می گذرد، رئیسه که در بدو نشستن بر مسند ریاست بزرگترین افتخار هندبال ایران در آسیا به وقوع پیوست اما پس از آن ناکامی های یکی پس از دیگری فرار رسید.**

مشکلات مالی و اختلاف نظرها در این چند سال باعث شد که صندلی کمیته های مختلف فدراسیون دیگری مانند انگلیس، به میدان برود. موسی او موفقی به خواستم او اعلام کرده بود به زودی عدنان به بازیکنی بسیار خوب بدل خواهد شد و می تواند با گرفتن اقامت انگلیسی در تیم ملی این کشور هم به بازی کند.

موسس در مورد این بازیکن گفت: کسی می‌کند این بازیکن بتواند برای انگلیس هم بازی کند. او به همت خود با این انگلیس هم بازی کند. او به همت خود با این انگلیس هم بازی کند. او به همت خود با این انگلیس هم بازی کند.

**تقسیم شدن جامعه هندبال**

دراین مدت، می‌توان گفت که جامعه هندبال ایران به دو تکه تقسیم شده است.عده‌ای که عطای کار را به مقاصبت خشنیده اند و به منتقدان سرخست مدیریت فدراسیون تبدیل شده اند و عده‌ای دیگر که نسبتا جوان تر هستند و با مدیریت فعلی همکاری دارند یا علاقه دارند به مانند منجی وارد فدراسیون شوند و هنوز خیلی جوان است.

**تقسیم شدن جامعه هندبال**

دراین مدت، می‌توان گفت که جامعه هندبال ایران به دو تکه تقسیم شده است.عده‌ای که عطای کار را به مقاصبت خشنیده اند و به منتقدان سرخست مدیریت فدراسیون تبدیل شده اند و عده‌ای دیگر که نسبتا جوان تر هستند و با مدیریت فعلی همکاری دارند یا علاقه دارند به مانند منجی وارد فدراسیون شوند و هنوز خیلی جوان است.

صفحه ۷

سه شنبه ۱۴مهر ۱۳۹۲

۴ دی‌چهار ۱۳۹۴ – شماره ۲۰۶۱۱

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد

فخرآباد